

درس شانزدهم

پنده آزادی

کو دکان سنگ

ماه روشنی اش را در سراسر آسمان می پراکند و لکه های سیاهش را برای خودش نگه می دارد.

ماه: استعاره از انسان های ایثارگر و بخشنده / لکه های سیاه: استعاره از غصه ها و سختی ها

منهوم: فداکاری کردن و خوبی به دیگران

تاکور: شاعر و عارف اهل هندوستان / اشعار او سرشار از مفاهیم عرفانی و حس میهن دوستی است.

ادبیات پایداری: مجموعه سروده ها و نوشته هایی که موضوع آن ها دعوت به مبارزه و پایداری در برابر سیداکران است.

موضوع و پیام ادبیات پایداری:

دعوت به مبارزه و تحمل سختی ها

میان بیداکری با ترسیم چهره بیداکران

سایش آزادی و آزادگی

ترسیم مظلومیت مردم

نشان دادن افق روشن پیروزی که راهورد تلاش و وحدت و همدلی مستمر است.

بزرگداشت و ستایش مردم مبارز و شهدا

شاعران ادبیات پایداری: محمود ویش، جبران خلیل جبران، ابراهیم طوقان، نزار قبانی از شاعران مقاومت فلسطین هستند

سلان هراتی، حمید سبزواری، علی موسوی کرمارودی، قیصر امین پور، علیرضا قزوه از شاعران دفاع مقدس و مقاومت هستند.

ابراهیم لاهوتی از شاعران ادبیات پایداری در دوران مشروطیت است.

پیام درس: مقاومت در برابر دشمن تاریکین به پیروزی

تشیه محمد پرنده / یمناک: وجه شبه

دوزخ آسمان: تشیه / آسمان: شبه / دوزخ: شبه به

تکرار: پنهان، ناتوان

توفان: جنگ و سختی، بیابان

آنها: اشاره به بیب و موشک های اسرائیل

تشیه محمد فرشته / بی پناهی: وجه شبه

فرشته بودن: کنایه از بی گناه بودن و معصومیت

صیاد سگدل: سربازان اسرائیلی

در سایه خود تنهاست: بی کس و یاور بودن، بی پناه

چهره اش چونان خورشید روشن است: تشیه

پرنده آزادی

۱۶

درس شانزدهم

محمد در آغوش پدرش

چونان پرنده ای یمناک

آشیان دارد،

از بیم دوزخ آسمان.

- آه ای پدر، پنهانم کن، پنهان

بال های من در برابر این توفان

ناتوان است، ناتوان

در برابر این تیرگی

و آنها که در بالا در پروازند.

محمد، فرشته بی پناهی است،

نزدیک به تفنگ صیادی سگدل،

او در سایه خود تنهاست

چهره اش روشن است، چونان خورشید

مهم ترین کار یک خواننده، به هنگام خواندن شعر، ترکیب لحن ها با یکدیگر است؛ به گونه ای که آهنگ کلی شعر از آغاز تا پایان حفظ شود. در سروده زیر، لحن های حماسی، عاطفی و توصیفی درهم آمیخته شده اند.

شعری برای «محمد الزوره»، نوجوان فلسطینی که در سال ۱۳۷۸ ه. ش. (۲۰۰۰ میلادی) بر اثر هجوم بی رحمانه نیروهای اشغالگر اسرائیل در آغوش پدرش به شهادت رسید.

تشبیه قلب به سیب / وجه شبه: سرخی و روشنی

روشن بودن: کنایه از امید به زندگی داشتن

صیاد: منظور سرباز اسرائیلی / شکار: محمد

فلسطینش را بی غلط تلفظ کند: کنایه از رشد کردن و بزرگ شدن

سرکشی: عصیان، نافرمانی / شکارش کنم: کنایه از نابود کردن

بعثت: برانگیخته شدن، / صعود: بالا رفتن / سدره المنتهی: نام درختی در آسمان، بهشت

تشبیه محمد به خون / صعود کردن: یعنی به مقام والارسیدن، کنایه از شهادت

قلبش سرخ و روشن است، چنان سیب
صیادش می تواند به شکارش دیگر گونه بیندیشد؛
با خود بگوید:

«اکنون او را رها می کنم،
تا آنگاه که بتواند فلسطینش را
بی غلط تلفظ کند...
و فردا چون سرکشی کند،
شکارش می کنم...»

«محمد الذوره»

خونی است که از بعثت پیامبران
جوشیده است

پس ای محمد، صعود کن!
صعود کن تا سدره المنتهی!

محمود درویش، شاعر فلسطینی



خیره کردن: متعجب و شگفت زده کردن

چون مشعل ها درخشیدند: تشبیه / کودکان مثل مشعل
هستند

بشارت: مرزده دادن / مزدوری: خودفروخته،
دست نشده

کودکان مانند بشارت هستند: تشبیه

درنگ کردن: مکث کردن، اندیشیدن

تاریخ: تشخیص، کنایه از سکوت تاریخ نویسان در برابر
جایات ها

کودکان سنگ

دنیا را خیره کردند

با آنکه در دستانشان جز سنگ نبود

چونان مشعل ها درخشیدند

و چونان بشارت از راه رسیدند

ایستادگی کردند، خروشیدند و شهید شدند.

آه، ای لشکریان خیانت ها و مزدوری ها!

هر قدر هم که تاریخ درنگ کند

به زودی، کودکان سنگ، ویران تان خواهند کرد!

ای دانش آموزان غزه!

به ما بیاموزید؛

که چگونه سنگ در دستان کودکان،

حماسه می آفریند؟

ای فرزندان غزه!

با تمام توانتان بتازید و



مهیا: آماده

زیتون چیدن: کنایه از رسیدن به پیروزی، رسیدن به صلح آرامش

زیتون: نماد صلح و دوستی و آرامش

بارور شدن درختان زیتون: کنایه از تحقق خواسته ها و ارزوها

وطنی زاده می شود: کنایه از آباد شدن سرزمین فلسطین

چهره قدس: تشخیص / رخسار فلسطین: تشخیص

رخسار: چهره / پرفروغ شدن: شاد و خوشحال شدن

در راهتان استوار بمانید
در گستره نبردهاتان پیش بروید.
ای دوستان کوچک ما، سلام!
برای چیدن زیتون مهیا باشید!
در لحظه هایی که درختان زیتون، بارور می شوند
و وطنی زاده می شود در چشم ها
و افق دیگر نمایان،
چهره قدس، درخشان و
رخساره فلسطین پرفروغ و تابان می شود.

نزار قنّائی، ترجمه: عبدالرضا رضایی نیا، با اندکی تغییر



دانش های زبانی

صفت مبهم: هرگاه نشانه های مبهم «هر، هیچ، همه، فلان، خیلی، کمی، بعضی، برخی....» همراه اسم بیاند صفت مبهم نامیده می شوند. اما اگر بدون اسم و به تنهایی بیاند ضمیر مبهم محسوب می شوند.

بهمی دانش آموزان به مدرسه آمدند. **صفت مبهم** چون همراه اسم آمده است.

بهم به مدرسه آمدند. **ضمیر مبهم** چون بدون اسم آمده است

نکته: «چند، چندین، هیچ» اگر مفهوم پرشی داشته باشند دیگر صفت مبهم نیستند. و صفت پرشی محسوب می شوند.

هیچ کتابی مطالعه نکرده ام. **صفت مبهم**

هیچ کتابی مطالعه نکردی؟ **صفت پرشی**

چند کتاب مطالعه کردم. **صفت مبهم**

چند کتاب مطالعه کردی؟ **صفت پرشی**

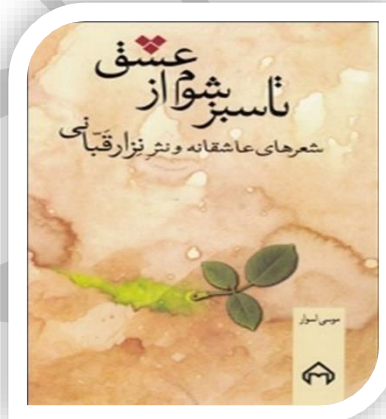
هیچ دانش آموزی به مدرسه نیامده است. **صفت مبهم**

هیچ دانش آموزی به مدرسه نیامده است؟ **صفت پرشی**

نزار قبانی: از بزرگترین شاعران و نویسندگان عرب متولد شهر دمشق سوریه / سروده های او سرشار از عشق و عاطفه به انسانیت است.



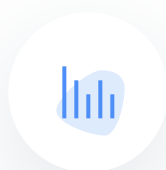
محمود درویش: از بزرگترین شاعران معاصر عرب است که شعر او با انقلاب، مبارزه و پایداری پیوندی عمیق دارد. عشق به سرزمین فلسطین و استقلال آن از درون مایه های اصلی شعر او است.





اپلیکیشن درسی همیار

برنامه رایگان درسی همیار



تمام پایه ها

جواب کتاب ، تدریس و نمونه سوال



همیشه رایگان

برنامه همیار کاملا رایگان میباشد